

ایده بزرگ
خداوند با وجود خستگی، ناکامی و ناامیدی ما را با همان آرامش موعود به خانه خواهد آورد

ایمان به چه شکل است؟
به نظر می رسد ایمان همان امید ما به خدایی است که وعده داده است ما را به خانه باز میگرداند، بیاپید به مرگ مسیح و قدرت روح اعتماد کنیم تا ما را در عشق تا آخر راه حفظ کند، تا از خدمت به خدا خسته نشویم

مقدمه
من یک جوک قدیمی و یک جوک واقعا قدیمی برای شما دارم
این جوک قدیمی است

درای ۶۷۲ دنبال کننده توییت. ۱۶۷۳ کارت امتیاز باشگاه. کالری مصرفی @kurtmarkoneill: آرامگاه زنده‌یاد رکورد دویدن ۷۶۹۲۸ کیلومتر. روحش . tinder matche ۱۸۴، ebay، ۶۰۵۹۰۰۰۰ . ۹۲٪ باز خورد مثبت بشاد

شاید قبلاً این را دیده باشید - این روشی ساده برای زیر سؤال بردن ارزش رسانه های اجتماعی و اندازه گیری همه دستاوردهای ما به صورت آنلاین است. آیا آنها واقعا اهمیت دارند؟ آیا واقعاً زندگی در مورد آن است؟ وقتی ما بمیریم اهمیتی نخواهند داشت

پیدا کردم Bath Abbey این یکی جوک واقعا قدیمی است. من این یکی را در

آرامگاه راسون هارت بودام؛ که در سال ۱۸۱۲ درگذشت. او در اوایل جوانی خود وارد خدمات کشوری شرکت هند شرقی شد و طی یک دوره خدمت دلسوزانه به منافع آن شرکت بزرگ، با جدیت تمام نائل به نشان افتخار پادشاه شد و کشور خود را ارتقا داد. او با شایستگی های برجسته به عنوان فرماندار بمبئی منصوب شد. او دارای ویژگی های مدیریتی، فضایل اخلاقی، و انسان دوست و وطن پرست بود. با ترک آن مقام شریف، باعث حسرت بخش بزرگی از جامعه اروپایی و آسیایی که از نعمت خدمتش محروم شده بودند شد. عقب نشینی آبرومندانه او از زندگی عمومی به نوعی حرکت به سوی اعمال فضایل جدید بود، در زندگی خانوادگی باعث خوشبختی به خانواده ای پر شمار و باعث شادی و خوشبختی جامعه و دوستان و همسایگانی که به او احترام می گذاشتند بود

البته این واقعا شوخی نیست. چه فهرستی از دستاوردها، و چه زندگی عالی ای. اما با این وجود او ۲۰۰ سال است که مرده است، و با وجود همه اینها، چه کسی اهمیت می دهد؟ ناگفته نماند که شاید امپریالیسم بریتانیا آنقدر که او فکر می کرد فوق العاده نبود. اکنون کسی که او را بشناسد زنده نمانده است

سوال من اینجاست فکر می کنید زندگی شما در مورد چیست؟ وقتی بمیرید مردم در مورد شما چه خواهند گفت؟ یا، اگر این سوال خیلی دور یا بسیار بیمارگونه به نظر می رسد، سوال را اینگونه میپرسم: اکنون زندگی شما در مورد چیست؟ برای چه زندگی می کنید؟

[دعا]

نکته اصلی ۱: همه دستاوردهای ما رضایتی را که به دنبال آن هستیم برای ما به ارمغان خواهد آورد

ما کتاب تنبیه را در مراسم یکشنبه خود می خواندیم و امروز به آخرین بخش یعنی پایان کتاب رسیدیم. کتاب تنبیه عمدتاً مملو از یک سری موعظه است که موسی به قوم اسرائیل در حالی که در لبه سرزمین موعود ایستاده اند و می خواهند به سرزمین نیکویی که خدا به آنها وعده داده است بروند. و موسی آنها را به وفاداری به خدا تشویق کرده است. برای گوش دادن به سخنان او. برای اطاعت از دستورات او. او را از صمیم قلب دوست داشته باشیم و در راه او زندگی کنیم. و حالا به پایان رسیدیم

و ما در یک نقطه کلیدی در داستان کل کتاب مقدس هستیم. ۵ کتاب اول کتاب مقدس - تورات - داستان این است که چگونه خداوند به ابراهیم و فرزندانش وعده برکت داد، چگونه قوم خود را از بردگی در مصر نجات داد، آنها را از صحرا آورد و آنها را با خود پیوند داد. و گفت که او خدای آنها خواهد بود و آنها قوم او خواهند بود و آنها را به سرزمینی که به آنها وعده داده بود می آورد - سرزمین خوبی که قرار بود نوعی عدن جدید باشد - و اکنون آنها آماده ورود هستند.

و ما در پایان داستان موسی هستیم. او از زمان شروع کتاب خروج (دومین کتاب در کتاب مقدس) شخصیت کلیدی بوده است، و داستان او را دنبال می کند، زیرا او در کودکی نجات یافت، در مصر شاهزاده شد، با خدا در صحرا ملاقات کرد. و دیدیم که چگونه خدا او را فراخواند تا قوم خود را از بردگی خارج کند، بلاهای خدا را به فرعون اعلام کند، قوم خود را در عید پسخ رهبری کند، دریای سرخ را بشکافد و مردم را در حین فرار از مصر هدایت کند ملاقات رو در رو با خدا در کوه سینا در حالی که خدا سخنان خود را به مردم گفت و به آنها آموخت که چگونه به عنوان قوم خود زندگی کنند.

اما اکنون، این پایان آن نیز است. در پایان فصل ۳۲، خداوند این را به موسی می گوید، [بخوانید ۳۲: ۴۹-۵۲]. موسی زمینی را که خدا به مردم می دهد، یعنی سرزمین عدن جدید را می بیند، اما به آن نمی رود. در واقع این پنجمین بار در کتاب تثنیه است که به ما می گویند موسی وارد سرزمین نمی شود، بنابراین مرگ او بر کل کتاب سایه می افکند است. او باید بمیرد تا مردم بتوانند به سرزمینی که خدا به آنها می دهد بروند.

موسی قبل از مرگ به تمام قبایل اسرائیل برکت می دهد (این فصل ۳۳ است)، او از تپه ای بالا می رود و از آنجا به سرزمینی که مردم به آن می روند از هر جهت می نگرند (آیه ۱-۳). و خدا دوباره با او حرف میزند آیه ۴.

من نمیدانم که موسی در این لحظه چه احساسی داشت. چند هفته پیش در کلاب سنترال، سریال موسی را با تماشای فیلم شاهزاده مصر به پایان رساندیم. فیلم خوبی است، داستان موسی و خروج را به خوبی روایت می کند، اما یک مشکل وجود دارد و آن این است که تمام داستان را بیان نمی کند. پیروزمندانه تمام می شود - موسی مردم را به بیرون هدایت کرده است، آنها دیگر برده نیستند و می توانند با خدا به عنوان خدای خود زندگی کنند! این یک پایان عالی است، اما پایان واقعی داستان نیست. پس از آن مردم دو و نیم کتاب بعدی کتاب مقدس را صرف تعقیب خدایان دیگر، شورش علیه موسی، غرغر کردن علیه خدا، و عدم اعتماد یا اطاعت از او می کنند.

موسی قرار بود مردم را به سرزمین موعود بیاورد، اما وقتی به آنجا رسیدند به خدا اعتماد نکردند، نتوانستند داخل شوند و در عوض ۴۰ سال در بیابان سرگردان بودند. کاری را که نتوانست تمام کند و با ناامیدی به پایان رسید.

موسی تمام کتاب تثنیه را صرف آموزش و درخواست از مردم کرده است تا زندگی را انتخاب کنند و از خدا پیروی کنند، اما او می داند که وقتی او رفت، آنها به سخنان او عمل نخواهند کرد. همانطور که او آنها را در فصل ۳۳ برکت می دهد، فکر می کنم باید ببینیم که او نقش پدری برای مردم دارد. آنها مانند فرزندان او هستند؛ اما زمانی که او رفت، می داند که آنها خدا را رها کرده و راه خود را خواهند رفت، و هر چیزی که موسی برای آن تلاش کرده است، گویی بیهوده بوده است.

شاید بدتر از همه این باشد که علیرغم سالها پیروی وفادارانه از خدا و مبارزه سخت به عنوان بنده او، خود موسی در مقابل همه مردم مرتکب خطای بدی شد و بنابراین خداوند به او گفته است که نمی تواند خودش وارد سرزمین موعود شود. سخت است که بدانید موسی دقیقاً چه اشتباهی انجام داده است - می توانید آن را در آیه ۲۰ جستجو کنید: اما این چیزی است که خدا در مورد آن در تثنیه ۳۲ گفت -

زیرا که شما در میان بنی اسرائیل نزد آبهای مریبه قایدش، در بیابان صین، بر من خیانت ورزیدید و قدوسیت مرا در میان بنی اسرائیل حرمت نهادید.
تثنیه ۵۱: ۳۲

و بنابراین موسی نمی تواند وارد سرزمین برکت خدا شود. یک اشتباه بد، و همه چیز خراب است. زندگی با خدمت صادقانه به خدا، کشتی غرق شده در گناه و شکست او. موسی باید چه حسرتی داشته باشد. چه ناامیدی چه حس شکستی.

زندگی شما درباره چه خواهد بود؟

موفقیت؟ تمام کارهای موسی برای بیرون آوردن قوم خدا از مصر بود، اما آنها به زمینی نرسیدند که خدا به آنها • وعده داده بود. و وقتی کار زندگی‌تان آن‌طور که انتظار داشتید به نتیجه نمی‌رسد، وقتی به چیزی که می‌خواهید دست پیدا نمی‌کنید، ناامیدی وجود دارد

چه چیزی را پشت سر گذاشتید؟ موسی برای بنی اسرائیل مانند پدر شد، اما پس از رفتن او، آنها راه خود را رفتند. فرزندان ما ممکن است پس از ما از خدا پیروی کنند یا نکنند. حتی اگر در کاری موفق شویم، آیا بعد از مرگمان هم ادامه خواهد داشت؟

زندگی خوب یا زندگی برای رضایت خدا چطور؟ اگر احساس می‌کنید به خاطر یک اشتباه بد، مانند یک کشتی در زندگی‌تان غرق شده‌اید، با موسی هم‌نشین خوبی هستید. اما در مورد ۱۰۰ اشتباه بد چطور؟ زندگی خوب یا حتی مذهبی چه نوع امیدی است؟ ما شکست خواهیم خورد و تنها چیزی که برای ما باقی خواهد ماند پشیمانی است

یکی پبیرت یک بشارت دهنده است و این را می‌گوید

"اگر این زندگی تمام چیزی است که وجود دارد، پس درد فیزیکی یا رویاهای برآورده نشده یک فاجعه است"

موسی همه چیز را در مورد رویاهای برآورده نشده می‌دانست. زندگی شما درباره چه خواهد بود؟ زیرا همه دستاوردهای ما، همه چیزهایی که ممکن است روی آنها تمرکز کنیم هرگز رضایتی را که به دنبالش هستیم برای ما به ارمغان نمی‌آورند. همه آنها در نهایت باعث ناامیدی خواهند شد و تو خالی خواهند بود. هیچ یک از آنها دوام نخواهد آورد

پس آیا امیدی بزرگتر وجود دارد، چیزی بهتر، که از همه ناامیدی‌ها و شکست‌های ما بزرگتر باشد؟

نکته اصلی ۲: خود خدا تنها چیزی است که ارزش این را دارد که همه امیدمان را به آن معطوف کنیم. این چیزی است که خداوند در آیه ۴ به موسی گفت [آیه ۴ را بخوانید]

به یاد داشته باشید که ما در پایان داستانی هستیم که در پیدایش آغاز شد، و خداوند به موسی همان وعده خود به ابراهیم را یادآوری می‌کند که به او زمین و برکت بدهد. برای شناختن نعمت خدا قوم خدا سرکش و سرسخت بوده اند، بارها شکست خورده اند و از او روی برگردانده اند. اما خدا مصمم است که مردم را با وجود همه ناکامی‌ها، ایشان برکت دهد. او قرار است آنها را برکت دهد. پس خداوند اعتماد به وعده خود را به موسی یادآوری می‌کند. او مردم را برکت می‌دهد، زیرا به عهد خود وفا می‌کند

تنش در کل کتاب تثبیه وجود دارد - خدا می‌خواهد قوم خود را برکت دهد و آنها را به رابطه با خود دعوت کند تا در راه خوب او زندگی کنند. اما مردم تصمیم خواهند گرفت که راه خودشان بهترین است. خدا زندگی را در اختیار دارد، اما آنها مرگ را انتخاب می‌کنند. چگونه خدا می‌تواند قوم خود را برکت دهد، وقتی آنها شکست می‌خورند او را طرد می‌کنند و راه خود را انتخاب می‌کنند؟

به سادگی، این وعده خدا بسیار بزرگتر از شکست مردم است. شکست‌های ما، پشیمانی‌ها، ناامیدی‌های ما می‌توانند برای ما بزرگ به نظر برسند. اما اندازه ایمان ما مهم نیست، وفاداری خداست که تفاوت را ایجاد می‌کند. و او وعده داده است که مردم خود را برکت خواهد داد. هیچ چیز مانع از اجرای وعده خدا نمی‌شود

بنابراین وقتی موسی در آیه ۵ می‌میرد، نویسنده می‌تواند این را بگوید
موسی، خادم خداوند، در آنجا در زمین موآب، بر اساس کلام خداوند درگذشت. «(تثبیه ۳۴: ۵)»

حتی بعد از همه چیز، تمام ناامیدی‌ها، شکست خودش، خدا اجازه نداد موسی به سرزمین موعود برسد، موسی همچنان بنده پروردگار است. چرا؟ یقیناً چون می‌داند جز وعده خدا به هیچ چیز دیگری نمی‌توان اعتماد کرد. هر چیز دیگر در ارائه شکست خواهد خورد، هر چیز دیگر در ارائه شکست خورده است. در نهایت، زمانی که هیچ

چیز دیگری برای او باقی نمانده است، تنها چیزی که موسی باید به آن بچسبد و عده خداست. بنابراین او به آن می چسبد.

نمی دانم این برای شما عجیب به نظر رسیده است یا نه، اما آیا این برایتان عجیب است که کتاب مقدس باعث می شود موسی قبل از مرگش به زمین موعود نگاه کند؟ [آیات ۱-۳] آیا خداوند موسی را تمسخر می کند؟ "این چیزی است که تو می توانستید برنده شوی." من اینطور فکر نمی کنم. در زمان های قدیم بخش مهمی از زمین های دریافتی مشاهده آن بود. وقتی برای دیدن زمینی که خریده بودی رفتی مالک آن میشدی. بنابراین همانطور که موسی زمین را می بیند، برای این نیست که آنچه را که نمی تواند داشته باشد، به او نشان دهد، بلکه آنچه را که دارد. این مانند نشستن در ماشین جدید برای تست رانندگی است - این مال شماست. اما البته، او نمی تواند به زمین موعود برود. او آن را می بیند - این میراث اوست - اما هنوز آن را ندارد. خدا به قوم خود ارثی می دهد که مسلم است - اما ما هنوز آن را دریافت نکرده ایم. و ما نیز مانند موسی به عده های خدا حتی تا زمان مرگ خود می چسبیم و با اعتماد به این که آنچه را خدا و عده داده است دریافت خواهیم کرد.

من فقط صمیمیت آیه ۶ را دوست دارم. موسی از زمانی که آنها از مصر بیرون آمدند رهبر بزرگ مردم بوده است. اما چون می میرد با خدا خلوت می کند و خود خدا موسی را دفن می کند. فقط اوست و خدا. زیبایی و عده خدا، این است که چیزهای خوب از خدا دریافت میکنیم. زمین تمام وعده نیست. وعده خدا نعمت اوست، شناخت اوست دوستی با او. خود خدا همان چیزی است که ما به آن امیدواریم.

آیا جرات داریم مثل موسی زندگی کنیم؟ با امید به وعده های خدا اعتماد کنیم، حتی زمانی که همه چیز از دست رفته است؟ برای بزرگترین امید ما شناختن خود خدا، رو در رو؟

آیا امیدی بزرگتر از ناامیدی ما وجود دارد؟ بله وجود دارد. این است که خود خدا را بشناسیم که برکتش را به ما وعده داده است. ارثی که قطعی است، اما هنوز دریافت نشده است. هیچ چیز دیگری محقق نمی شود، فقط وعده خداست. اما آیا به آن خواهیم رسید؟ چگونه می توانیم بدانیم که این وعده خدا واقعاً برای ماست؟

نکته اصلی ۳: عیسی تضمین می کند که ما را به برکت موعود خدا خواهد رساند

فصل ۳۴ با این نگاه به زندگی موسی، و چشم انتظاری که یوشع پس از او می آید، به پایان می رسد: [آیات ۹-۱۲ را بخوانید]. در پایان تورات ما مشتاقانه منتظر بقیه کتاب مقدس عبری هستیم تا ببینیم که پیامبر دیگری مانند موسی وجود دارد یا نه. هیچ کس دیگری که مانند او خداوند را بشناسد، هیچ کس دیگری مانند موسی که آیات و معجزات انجام می دهد، هیچ کس دیگری نیست که قوم خدا را نجات دهد و آنها را با او پیوند دهد. یوشع شروع امیدوارکننده ای به نظر می رسد، اما حتی او هم مانند موسی نبود، و همانطور که در تاریخ کتاب مقدس می خوانید، رهبران پس از یوشع به سرعت به سراشی می روند. سرانجام قوم خدا به تبعید برده می شوند و زندگی آنها به عنوان قوم خدا که با خدا به عنوان پادشاه خود زندگی می کنند به پایان می رسد.

پس ما به شخص دیگری نیاز داریم. ما به کسی بهتر و بزرگتر از موسی نیاز داریم. ما به عیسی نیاز داریم! عیسی که زندگی اش به خاطر اشتباهاتش شکسته نشده است. عیسی که معجزات بزرگی انجام می دهد تا به همه نشان دهد که کیست. عیسی که قوم خود را نه از فرعون و مصر، بلکه از گناه و مرگ نجات می دهد. عیسی که به خاطر گناه ما می میرد تا بتوانیم به برکت موعود خدا برویم. عیسی که قوم جدیدی از خدا می سازد تا به عنوان پدر و دوست ما با خدا در ارتباط باشند. عیسی که محل دفن ندارد، زیرا نمرده است.

شکست ها، ناامیدی ها و ناامیدی های ما پایان کار نیست. عیسی برای همه آنها هزینه کرده است. گناه ما را به دوش گرفت. او مرد تا ما وارد بهشت خدا شویم.

و او دوباره برخاست تا به ما امید واقعی به زندگی فراتر از قبر بدهد. امید واقعی به این معنی که تمام بیهودگی و ناامیدی این زندگی پایان داستان نیست. برای ما و موسی امیدی فراتر از مرگ وجود دارد. موعودی هست که خداوند ما را به آن خواهد رساند. کارهایی که اکنون انجام می دهیم بیهوده نیستند.

همه شکست‌ها و ناامیدی‌های ما به نظر می‌رسد که قرار است همه چیز را برای همیشه خراب کنند. شرط می‌بندم که آنها چنین احساسی نسبت به موسی داشتند. اما این کار را نمی‌کنند. خدا به ما وعده داده است که برکت خواهد داد، و به این وعده عمل خواهد کرد. آنچه شکست‌های ما به ما نشان می‌دهد، عمق محبت خداوند به ماست. او ما را با وجود همه این چیزها دوست دارد.

چگونه می‌توانیم بدانیم که وعده خدا برای ماست؟ عیسی از مردگان برخاست تا آن را به شما ثابت کند. هیچ چیز مانع برکت او نمی‌شود، حتی مرگ.

این جزئیات شگفت‌انگیز در مورد موسی در آیه ۷ وجود دارد:
"موسی ۱۲۰ ساله بود که درگذشت" - بسیار پیر - "چشمش کم نور نبود و قدرت او کاهش نیافته بود"

حرفی برای گفتن برای یک پیرمرد. موسی چگونه ادامه داد؟ چگونه او بدون اینکه خسته شود، یا در تمام چالش‌ها تسلیم شود، پر از نشاط، تا آخر خدمت به خداوند ادامه داد؟ او به خداوند منجی خود اعتماد کرد و چشمان خود را به وعده خدا نگاه داشت.

ما یک نجات‌دهنده داریم، عیسی، که ارزش ادامه دادن با او را دارد. چه کسی برای ما مرده و چه کسی برای ما زندگی می‌کند. او که روح القدس خود را به ما می‌دهد تا قدرت خود را در ادامه راه به ما بدهد.

روز مادر است، در مورد برخی از مادران ما در کلیسا چطور؟ [رو، جودیت، شیلا...] چگونه به راه خود ادامه می‌دهند؟ چگونه آنها هر روز بدون خسته شدن و تسلیم شدن به خدمت به خداوند ادامه می‌دهند؟ با وجود مبارزات ناامیدی‌ها، شکست‌ها؟ مادران با بسیاری از آنها روبرو هستند. آنها به عیسی نگاه می‌کنند، با چشمانی بی‌درد، و هر کاری را که او برای ما، برای آنها انجام داده است، می‌بینند، و با نشاط ادامه می‌دهند. از پیروی از منجی خود که آنها را دوست داشت و خود را برای آنها تسلیم کرد خسته نمی‌شوند.

برای چه زندگی خواهی کرد؟ زندگی شما درباره چه خواهد بود؟ چگونه بدون اینکه خسته شوید ادامه دهید؟

جواب این نیست که مانند موسی یا جودیت یا ... باشیم، بلکه این است که مانند آنها منجی داشته باشیم. برای اینکه چشم خود را به عیسی دوخته و به او امیدوار باشیم. او امید ماست، اوست که ما را به برکت خدا می‌رساند، اوست که ما را ناامید نمی‌کند. به او نگاه کنید.